

## شاعران زن در سفینه تبریز

روح‌انگیز کراچی\*

### چکیده

هدف از نگارش مقاله حاضر، بررسی نسخه خطی منحصر به فرد خلاصه‌الاشعار بخش ۱۳۳ سفینه تبریز، گردآورده ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی، برای شناخت و حضور زنان شاعر در تاریخ ادبی ایران است. این جنگ در معرفی رباعی سرایان حوزه جغرافیایی شمال غرب ایران و در فاصله سده پنجم تا هفتم هجری قمری منبعی ارزشمند است. در این پژوهش، که با رویکردی مقایسه‌ای و از دیدگاهی تاریخی در حوزه ادبیات زنان انجام شد، دو جنگ نزهة‌المجالس و خلاصه‌الاشعار فی الرباعیات بررسی و شباهت‌ها و تفاوت‌های هر دو کتاب از نظر حضور زن در ادبیات و در تذکره‌های نخستین مورد مطالعه قرار گرفت.

در این مقاله، تأثیر ساختار جامعه، مسائل فرامتنی، تفاوت‌های جنسیتی، وضعیت نابرابر و کیفیت آثار هنری شاعران در نظر گرفته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** زنان شاعر، سفینه تبریز، خلاصه‌الاشعار، رباعی، نزهة‌المجالس، نسخه خطی.

### مقدمه

نسخه خطی سفینه تبریز مجموعه‌ای منحصر به فرد متعلق به ۷۲۳ق و شامل ۲۰۹ کتاب و رساله در موضوع‌های گوناگون به زبان‌های فارسی و عربی است که ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی (۶۹۷-۷۳۶ق) آن را گردآوری و تألیف کرده است و این نسخه به شماره ۱۴۵۹۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.

\* دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی r\_karachi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۵/۲

خلاصة الاشعار<sup>۱</sup> جُنْگی خاص است؛ زیرا به نوع خاصی از شعر در قالب رباعی پرداخته و تقریباً به معرفی شاعران منطقه جغرافیایی خاصی اختصاص دارد. ابوالمجد تبریزی ۵۰۰ رباعی را از ۱۲۱ شاعر برگزیده و به صورت موضوعی در ۵۰ باب تقسیم‌بندی کرده و در سَفینة تبریز کتابت کرده است (تبریزی، ۷۲۳: ۲۹۷-۳۰۷؛ تبریزی، ۱۳۸۱: ۵۹۳-۶۱۲). ۳۲ رباعی در این گلچین سروده شش زن شاعر است که در قرن‌های پنجم و ششم و هفتم می‌زیستند و برخی از آن‌ها شناخته شده نیستند. برای شناخت و بررسی ادبیات زنان، مطالعات گذشته‌شناسی در این حوزه ضرورت دارد؛ به‌همین سبب، این نسخه، که از قدیمی‌ترین گلچین‌ها و جُنْگ‌های ادبی است، برای بررسی انتخاب شد تا زنان شاعر در نخستین منابع موجود شناسایی و معرفی شوند.

### پیشینه

مطالعه نسخه نویافته خلاصة الاشعار فی الرباعیات، که بخشی از نسخه خطی سَفینة تبریز است و گمان می‌رفت ساختاری نو داشته باشد، به نزهة المجالس تألیف جمال خلیل شروانی شباهت بسیار دارد. محمدامین ریاحی، مصحح این کتاب، در مقدمه‌ای عالمانه به نسخه‌ای دیگر نیز اشاره کرده که پیش از تألیف نزهة المجالس با همین ساختار نوشته شده است. این نسخه را، که مجمع الرباعیات نام دارد، ابوحنیفه عبدالکریم بن ابوبکر پیش از ۵۸۸ق تألیف کرده است و برگزیده‌ای از آن، شامل فهرست باب‌ها و تعدادی رباعی در مجموعه‌ای خطی در کتابخانه حالت افندی استانبول نگهداری می‌شود<sup>۲</sup> (شروانی، ۱۳۶۶: ۴۱)؛ بنابراین، مشابه‌ترین کتاب به نسخه خلاصة الاشعار، کتاب مفصل نزهة المجالس (تألیف پس از ۶۸۳ق) است که با ساختاری مشابه و موضوعی همانند حدود ۷۰ سال پیش از خلاصة الاشعار تألیف شده و اکنون در دسترس است. مقایسه این دو تذکره، که از کهن‌ترین منابع شعری و یادگاری ارزشمند از قرن‌های پنجم، ششم و هفتم قمری است، از نظر حضور زنان شاعر اهمیت خاصی دارد و تاکنون پژوهشی در این خصوص انجام نگرفته است.

### طرح موضوع

موضوع این مقاله بررسی زنان شاعر در بخش خلاصة الاشعار فی الرباعیات یکی از بخش‌های سَفینة تبریز است که از چند نظر اهمیت دارد: ۱. ارزش این جُنْگ بیشتر به سبب دیدگاه فراجنسیتی مؤلف در گزینش رباعی‌ها، بدون تفکیک جنسیتی شاعران، است؛ ۲. دو

زن شاعر، جلال‌خاتون سمرقندیه و عایشه مقریه، را برای نخستین بار معرفی کرده که در منابع پیش از او نیامده‌اند؛ ۳. این کتاب به رباعی‌سرایان شمال غرب ایران اختصاص دارد و احتمالاً این زنان شاعر در سایر نقاط سرزمین بزرگ ایران ناشناخته بوده‌اند؛ ۴. مؤلف، در زمانه انزوا و حذف زنان، سروده‌هایی از آن‌ها را آورده است که بیانگر ذهنیت فراجنسیتی مؤلف و محیط فرهنگی و فضای باز اجتماعی آن دیار، در مقایسه با مناطق دیگر ایران، است؛ ۵. چنانچه شاعری مشهورتر و اشعارش شناخته‌شده‌تر بوده، شمار رباعی‌هایش در این کتاب بیشتر است: از مهستی ۲۱ رباعی، از عایشه سمرقندی ۴ رباعی، از دختر حسام سالار ۴ رباعی، از عایشه مقریه و دختر خطیب گنجه و جلال‌خاتون سمرقندیه یک رباعی در این کتاب آمده که میزان شهرت و غنای شعری شاعر را می‌رساند.

نکته دیگر این که برخی از این رباعی‌ها جدیدند و در *نزهة‌المجالس* که قدیمی‌تر است نیامده و این موضوع استقلال نسخه، گزینش خود مؤلف، زنده‌بودن شاعر، عرضه شعرهای جدید، و یا دسترسی به منابع دیگر را نشان می‌دهد. بنابراین، نسخه خلاصه‌الاشعار از نخستین منابع تذکره‌ای است و اگرچه ابداعی و بی‌سابقه نیست، رونویسی صرف از منابع دیگر هم نیست. مؤلف این کتاب در تهیه و تنظیم و فصل‌بندی موضوع‌ها، *نزهة‌المجالس* اثر جمال خلیل شروانی را پیش رو داشته، اگرچه تفاوت‌هایی نیز با آن دارد. در جدول زیر مقایسه این دو جُنگ نخستین، مشخص‌تر بیان شده است.

نام کتاب	نزهة‌المجالس	خلاصه‌الاشعار
قالب شعر	رباعی	رباعی
تاریخ تألیف	حدود ۶۴۹ ق	حدود ۷۲۱ ق
تعداد شاعران مرد	۲۸۹	۱۲۱
تعداد رباعی‌ها	۴۱۳۹ رباعی	۵۰۰ رباعی
تعداد زنان شاعر	۹	۶
زنان شاعر و تعداد اشعار	دختر حکیم کاو (۱)، دختر خطیب گنجه (۱)، دختر حسام‌الدین سالار (۴)، دختر سنی (۱)، دختر سجستانی (۱)، رضیه گنجه‌ای (۹)، عایشه سمرقندی (۱۳)، فاضله سمرقندیه (۱)، مهستی گنجه‌ای (۶۱)	جلال‌خاتون سمرقندیه (۱)، دختر حسام سالار (۴)، دختر خطیب گنجه (۱)، عایشه سمرقندیه (۴)، عایشه مقریه (۱)، مهستی (۲۱)

شباهت این دو جُنگ از نظر زمان (نیمه قرن هفتم و آغاز قرن هشتم قمری)، مکان

(شمال غرب ایران)، موضوع (قالب رباعی)، و تعداد زنان شاعر است، اما تفاوت این دو جُنگ ادبی با کتاب‌های دیگر در قرن‌های قبل و قرن‌های مشابه، نه فقط در زمان و مکان و موضوع است بلکه، بیشتر در گزینش، بدون تفکیک جنسیتی اشعار در زمانه‌ای مردم‌محور است. در گام نخست، برای یافتن زنان شاعر، به نخستین منابع مکتوب زبان فارسی مراجعه شد تا تفاوت‌ها، از نظر حضور زن، مشخص‌تر گردد. در نخستین لغت‌نامه فارسی که اسدی طوسی در اواسط قرن ۵ ق نوشت، از زنان شاعر، شاهد شعری نیامده است و دو بیت از شخصی به نام پرویز خاتون آمده است که ناشناخته و جنسیت او نیز نامعلوم است (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۳۰۱، ۵۰۵). مؤلف ترجمان البلاغه (۵۰۷ ق)، نخستین کتاب در علم بدیع، از شاعری به نام بنت کعب «ذیل منسرح»، یکی از بحرهای شعر فارسی، شعری را شاهد آورده که به نظر می‌رسد این نخستین منبعی باشد که از زنی شاعر بیتی آورده است (رادویانی، ۱۹۴۹: ۸۱). در کتاب‌هایی چون *دمية القصر و عصرة اهل العصر* اثر باخرزی (۴۶۷ ق)، *راحة الصدور و آية السرور* در تاریخ *آل سلجوق* اثر راوندی (۶ ق)، *چهار مقاله* اثر نظامی عروضی (۵۵۰ ق) و *تاریخ بیهق* (۵۶۰ ق)، که نام برخی از شاعران آمده، به هیچ زن شاعری اشاره نشده است. در *لباب‌الالباب*، که به نخستین تذکره فارسی شهره است و حدود ۶۱۸ ق تألیف شده، فقط به دو زن شاعر اشاره شده است: یکی رابعه بنت کعب (عوفی، ۱۳۳۵: ۲۹۴) و دیگری دختر کاشغری (همان: ۴۸) است. در *مونس‌الاحرار* (۷۴۱ ق) از مهستی دبیر نیشابوری بیست رباعی (جاجرمی، ۱۳۳۷: ۱۱۵۱-۱۱۵۵، ۱۱۶۲-۱۱۶۷) و از عایشه مقریه یک رباعی (همان: ۱۰۸۸) آمده است. بنابراین، دو تذکره خلاصه‌الاشعار و *نزهة المجالس* از حیث حضور زن در تاریخ شعر فارسی اهمیت ویژه‌ای دارند و از منابع کهن و ارزشمند در این زمینه‌اند؛ زیرا برای نخستین بار در *نزهة المجالس* نه زن شاعر معرفی شده‌اند و در *خلاصه‌الاشعار* علاوه بر چهار شاعر مشترک نام دو زن شاعر دیگر نیز آمده است. این نوع گزینش و نقل اشعار می‌تواند اطلاعات ارزنده‌ای از زمینه تاریخی و موقعیت اجتماعی - فرهنگی خلق این آثار در اختیار پژوهشگر بگذارد که در شناخت فضای جامعه، ذهنیت خالق آن آثار، درک واقعیت‌های تاریخی - سیاسی، برای نگارش تاریخ اجتماعی زن ایرانی، و مهم‌تر از همه، تاریخ ادبیات زنان مفید باشد.

در این بررسی، نخستین نکته مهم موقعیت زنان و تأثیر شرایط تاریخی - اجتماعی است. ساختار اجتماعی - فرهنگی جامعه ایران و گوناگونی اقوام، زبان‌ها و دین‌ها در هر محدوده

جغرافیایی و هر مقطع تاریخی، فضای اجتماعی خاصی به وجود آورده است که بازتاب آن را در خلق بیشتر آثار ادبی می‌توان یافت.

پیوند بین جامعه و هنر و رابطه آثار هنری با ساختار اجتماعی، فرهنگی جامعه و شخصیت هنرمند انکارناپذیر است و بی‌گمان، فرهنگ جامعه ایران در شمال و غرب تفاوت فراوان با مرکز، جنوب و شرق ایران داشته و اگر تعداد زنان شاعر در چنین تذکره‌های منطقه‌ای زیادتر از دیگر مناطق ایران است، به سبب تکرر فرهنگی و فضای باز آن منطقه است. گستره فرهنگی ایران بزرگ، در قرن‌های یازدهم و دوازدهم میلادی/پنجم و ششم قمری در شمال غرب، مجموعه‌ای از سرزمین‌هایی چون آذربایجان، اران، شروان، قراباغ، قفقاز، تفلیس، گنجه، نخجوان، ایروان، دربند، ورارود، و بیلقان را شامل می‌شد که در همسایگی امپراتوری روم شرقی بود و اقوام ترکمان، ترک، گرجی، و ارمنی را با زبان‌ها و دین‌های گوناگون در خود جا داده بود. در این مناطق، شروانشاهیان، ایلدیگزیان، اتابکان، ترکان سلجوقی، و خوارزمشاهیان حکومت کردند و به سبب دوری از مراکز فرهنگ دینی و متأثر از فرهنگ‌های متفاوت کشورهای همسایه، فضای آزادتری برای فعالیت زنان وجود داشته است. اما در تمام نواحی ایران بزرگ، وضعیت اجتماعی یکسان نبوده، در اغلب مناطق ایران ساختار اجتماعی - فرهنگی جامعه، تداوم فرهنگ سنتی، تبعیض جنسیتی، نگرش منفی به نوع کردار و رفتار زنان، محدودیت‌های اجتماعی و خانوادگی، تفاوت جنسی، تفاوت اهداف و انگیزه‌های جنسی از عوامل مؤثر بر حضور اندک زنان در اجتماع و همچنین در حوزه ادبیات بوده است، به علاوه، انتظارات جامعه از زن در اجرای نقش‌های محدود خانگی، فرصت‌های اندک و محرومیت از امکانات نیز سبب شده است که توانایی و عملکرد آن‌ها امکان بروز نیابد و سرنوشتی جز در حاشیه بودن و در انزواماندن برای آن‌ها مقدور نبوده است. زنان هنرمند نیز هرگز موقعیت برابر با مرد را نداشته و به علت سرایش شعر موقعیت شغلی ویژه‌ای کسب نکرده‌اند، آن‌چنان‌که شاعران مرد با مداحی از امکانات بسیاری برخوردار می‌شدند. در طول تاریخ ادبیات زنان، فقط سه زن، مهستی و عایشه مقریه و دختر کاشغری، به سبب توانایی شاعری‌شان نقشی حرفه‌ای چون دبیری و ترانه‌خوانی داشتند که این‌ها نیز از ناحیه شمالی ایران بودند و بی‌گمان در دیگر نواحی ایران برای زنان موقعیتی مشابه وجود نداشته است.

در بررسی رباعیات خلاصه/الشعار و مقایسه کیفیت رباعی‌های سروده مردان شاعر و زنان شاعر، تفاوت معناداری وجود ندارد. شاخص‌ترین چهره در میان مردان شاعر خیام و در

میان زنان شاعر مهستی است که رباعیات هردو از لحاظ موضوع منحصر به فرد است. خلاصه‌الاشعار در ۵۰ باب طبقه‌بندی موضوعی شده است. موضوع رباعی‌های سروده زنان بیشتر وصف معشوق، وصال، غم، عشق، دل، شکایت، و بی‌وفایی است و در موضوع معرفت، مدح، نصیحت، حکمت و موعظت، خمریات، سماع، و هجا زنان شعری سروده‌اند. نکته دیگر این‌که، در تاریخ ادبیات موارد بی‌شماری وجود دارد که رباعی شاعری را به شاعر دیگری نسبت داده‌اند. در بررسی تطبیقی رباعیات مهستی در خلاصه‌الاشعار و نزهة‌المجالس نتیجه چنین است که از ۲۱ رباعی مهستی در خلاصه‌الاشعار، شش رباعی در نزهة‌المجالس نیامده و از پانزده رباعی که در نزهة‌المجالس آمده، یازده رباعی مهستی به شاعرانی چون جمال اشهری، صالح بیلقانی، خلیل شروانی، سنایی، اثیر اخسیکتی منسوب شده است و سه رباعی با عنوان «لغیره» و یک رباعی بدون عنوان گوینده آمده است که یافتن علت آن، به پژوهشی دیگر نیاز دارد. از دیگر موارد انتساب شعر به شاعری دیگر، رباعی سروده عایشه سمرقندی است که به حافظ و خاقانی منسوب شده است.

گفتی که تو را شوم مدار اندیشه      دل خوش کن و بر صبر گمار اندیشه  
کو صبر و چه دل؟ کانچه دلش می‌گویی      یک قطره خون است و هزار اندیشه

این رباعی در باب ششم خلاصه‌الاشعار «در دل و احوال دل» سروده عایشه سمرقندی ثبت شده است. همین رباعی در نسخه دیوان خاقانی به نام او آمده است (خاقانی شروانی، ۱۳۵۷: ۷۳۴) و در دیوان حافظ همین رباعی به حافظ تعلق یافته است (حافظ، ۱۳۶۲: ۲/ ۱۱۰۵)، اما استاد فاضل محمدمین ریاحی این رباعی را بنابه دلایلی سروده عایشه سمرقندی می‌داند که از آن جمله نقل همین رباعی (به شماره ۷۹۱) در نزهة‌المجالس تألیف ۶۴۹ق است و علت دوم این‌که، چون حافظ خود دیوان خویش را گردآوری نکرده، شعرهای دیگران به دیوان او راه یافته است (ریاحی، ۱۳۷۹: ۴۸۴).

بی‌گمان علل فراوانی در تاریخ ادبیات وجود دارد که شعری را به کسی دیگر نسبت می‌دهند؛ اما در مورد حذف زنان از تذکرها و نسبت‌دادن اشعارشان به شاعران مرد علت‌ها متفاوت است. نخست این‌که، ساختار فرهنگی جامعه و تبعیض جنسیتی حاکم هر فرصتی را از زنان می‌گرفت و طبیعی است که در چنین جامعه‌ای اغلب قلم‌به‌دستان نیز برای زن هویتی مستقل قائل نبودند و او را انسانی صاحب حقوق و عقل و هنر نمی‌دانستند و آن‌ها را جدی نمی‌گرفتند و چون زنان هنرمند در اقلیت بودند و شاعری حرفه‌شان نبود حذف می‌شدند و

اگر در طول تاریخ ادبی ایران نام و اشعاری از زنان شاعر باقی مانده، موقعیت استثنایی آن‌ها و حمایت مردان پیرامونشان مسبب آن بوده است.

## نتیجه‌گیری

حضور اندک زنان شاعر در مقایسه با مردان در جامعه ادبی ایران، از آغاز ادب فارسی تا قرن هشتم قمری، مسئله‌ای پیچیده است و محصول عوامل متعددی است که برای تبیین آن به پژوهش‌های جامعه‌شناسی و ادبی بیشتری نیازمندیم.

تعارض نقش خانوادگی زن، تبعیض جنسیتی و اولویت‌دادن به جنس مرد، توجه‌نکردن به شایستگی‌ها و توانایی هنری زن، فرصت‌های نابرابر و ساختار جامعه مردسالار از عوامل حضور کم‌رنگ زن در جامعه ادبی بوده است، بدین‌منظور سفینه تبریز بررسی شد و یکی از نسخه‌های آن که با موضوع مرتبط بود انتخاب گردید، خلاصه‌الاشعار نسخه مورد مطالعه است. در همین موضوع، جنگ رباعی دیگری نیز از نیمه قرن هشتم قمری انتخاب شد به نام *نزهة‌المجالس*، که از کهن‌ترین منابع موجود در شناخت شاعران زن در آغاز ادب فارسی به‌شمار می‌آید، و بیشترین شمار شاعران زن را تا آغاز قرن هشتم قمری به جامعه ادبی معرفی کرده است. در مقایسه‌ای که بین خلاصه‌الاشعار از سفینه تبریز و *نزهة‌المجالس* از لحاظ تعداد زنان شاعر در برابر مردان شاعر صورت گرفت در *نزهة‌المجالس* از مجموع ۲۹۸ شاعر، ۳٪ زن و به عبارتی دیگر، ۲۸۹ مرد و ۹ زن شاعر معرفی شده‌اند.

در خلاصه‌الاشعار، از مجموع ۱۲۷ شاعر، ۴ درصد زن یا ۱۲۱ مرد و ۶ زن شاعر اشعارشان به ثبت رسیده که اگرچه بسیار اندک‌اند، اما در مقایسه با تذکره‌های دیگر فارسی، که در آن‌ها اولویت به کیفیت شعری نیست، بلکه به جنس مذکر شاعر است، قابل اعتناست. بنابر یافته‌های این پژوهش، از نظر تعداد زنان شاعر در مقایسه با تعداد مردان تفاوت معناداری وجود دارد، اما از نظر، کیفیت اثر هنری هیچ‌گونه تفاوتی مشاهده نشد. ارزش این دو گلچین رباعی، دیدگاه فراجنسیتی مؤلفان آن‌ها در معرفی بیشترین تعداد زنان شاعر تا قرن هشتم قمری است. این دو جنگ به معرفی شاعران شمال غرب ایران بزرگ اختصاص دارد و نشان‌دهنده فضای باز جامعه در آن منطقه است.

## پی‌نوشت

۱. پس از اتمام این تحقیق بر روی نسخه خطی خلاصه‌الاشعار، بخشی از سفینه تبریز، متوجه شدم

این بخش از سقینه توسط سید محمد عمادی حائری تصحیح و در گنجینه بهارستان به کوشش بهروز ایمانی به چاپ رسیده است که از آن هم استفاده کردم.

۲. مختارنامه‌ی عطار نیشابوری (حدود ۶۱۸ق) در ۵۰ باب و شامل ۲۰۸۸ رباعی از عطار نیز به صورت موضوعی تقسیم‌بندی شده و ساختاری مشابه دارد که فقط به یک شاعر اختصاص دارد (ایمانی، ۱۳۸۴: ۳۱).

## منابع

- اسدی طوسی، علی بن احمد (۱۳۱۹). لغت فرس، تصحیح عباس اقبال، تهران: مجلس.
- ایمانی، بهروز (۱۳۸۴). گنجینه بهارستان، ادبیات فارسی ۲، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- تبریزی، محمد بن مسعود (۱۳۸۱). سقینه تبریز (چاپ عکسی)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- تبریزی، محمد بن مسعود (۷۲۳ق). سقینه تبریز، نسخه شماره ۱۴۵۹۰، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- جاجرمی، محمد بن بدر (۱۳۳۷). مونس الاحرار فی دقائق الاشعار، با مقدمه محمد قزوینی، به اهتمام میر صالح طیبی، تهران: چاپ اتحاد.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۲). دیوان حافظ، تصحیح پرویز ناتل خانلری، تهران: خوارزمی.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل بن علی (۱۳۵۷). دیوان خاقانی شروانی، تصحیح ضیاء‌الدین سجادی، تهران: زوار.
- رادویانی، محمد بن عمر (۱۹۴۹). ترجمان‌البلاغه، به اهتمام احمد آتش، استانبول: جامعه‌الاستانبولیه.
- ریاحی، محمدامین (۱۳۷۹). چهل گفتار در ادب و تاریخ و فرهنگ ایران، تهران: سخن.
- شروانی، جمال‌خلیل (۱۳۶۶). نزهة‌المجالس، تصحیح محمدامین ریاحی، تهران: زوار.
- عوفی، محمد (۱۳۳۵). لب‌الب‌الباب، تصحیح سعید نفیسی، تهران: ابن سینا.